

اقتباسی از کتاب عصرهای کریسکان است. از نظر شما اقتباس از کتاب و به تصویر کشیدن آن در قاب تلویزیون، چه آورده‌ای برای فرهنگ و هنر کشور دارد؟ و چرا کمتر فیلمسازی به سراغ این موضوع می‌رود؟ آیا قبل از بازی در این سریال این کتاب را مطالعه کردید و به‌نظراتان چقدر توانسته در اقتباس موفق باشد؟

ما آثار اقتباسی درخشانی در حوزه فیلم و سریال داشتیم، از بازنترین و شاید درخشان‌ترین نمونه‌های این کار می‌شود به سریال «قصه‌های مجید» مرحوم کیومرث پوراحمد اشاره کرد که از نوشته‌های هوشنگ مرادی‌کرمانی بود، برخی از رمان‌نویس‌ها مانند هوشنگ مرادی‌کرمانی که کارهای‌شان پر از تصویر است، پتانسیل پرداخت و ارائه در حوزه‌های دیگر را دارند. در حقیقت کتاب «همان‌امان» ایشان هم توسط داریوش مهرجویی به زیبایی به فیلم ماندگاری تبدیل شد.

کتاب «عصرهای کریسکان» کیانوش گلزار راغب هم به نظر من از همین دست کتاب‌هاست. من با قطعی شدن بازی‌ام در سریال سوران و برای شناخت بهتر شخصیت، کتاب‌های عصرهای کریسکان و «برده‌سور» را خواندم و با وجود تمرکز روی استخراج نکاتی که بیشتر به دردم می‌خورد، مدام در قصه‌های کتاب‌های ایشان غرق می‌شدم و برای نکته‌برداری مجبور بودم مطالعه چندباره داشته باشم. تشخیص این‌که کدام کتاب از کدام نویسنده پتانسیل اقتباس دارد، یک کار تخصصی است ولی به نظر من با تکرار چنین تجربه‌هایی می‌توان فراتر از ساخت یک محصول سینمایی یا

تلویزیونی سرگرم‌کننده، به فرهنگ جامعه خدمت کرد.
[۴] معمولاً وقتی بازیگری در نقشی خوش می‌درخشد بقیه پیشنهادها در همان شکل و شمایل رخ می‌دهد. ممکن است این اتفاق هم برای شما رخ دهد و نقش‌هایی با لپچه یا شبیه به آن پیشنهاد شود. حال برخی هنرمندان گرفتار این موضوع می‌شوند و برخی دیگر نه. شما چه راهکاری دارید؟
آدمیزاد به طور کلی از تکرار بیزار است اما همه تکرارها هم بد نیستند. به عنوان مثال تکرار دیدن یک دوست اگر اندازه باشد، زیباست. من هم حساسیت‌های خود را دارم اما سخت نمی‌گیرم و برای بازیگری و ادامه راه به دلم رجوع می‌کنم.
[۵] از نظر شما، کنش و تفکر سوران چقدر برای جامعه به‌ویژه نسل‌های امروزی قابل درک است؟

عشق به خانواده و وطن چیزی نیست که مربوط به نسل خاصی باشد. نسل امروز عاشق زندگی و آزادی است؛ چیزی که امثال سوران به خاطر آن جان دادند.
[۶] کاراکتر سوران در دورانی زیسته که سنت و عرف تمام اعمال انسان‌ها را درگیر خود کرده. مانند جریانیه که این کاراکتر مجبور است برای حفظ سنت‌ها، با همسر برادرش که از دنیا رفته ازدواج کند. شاید مخاطبی که سوران را رزمنده و جسور می‌بیند، تصور داشته باشد که در زندگی شخصی هم جسور باشد. درباره این مسأله برای مان بگویید.
سوران، انسان خودساخته‌ای است. این کاراکتر برای اعتقاداتش دلیل دارد و تبعیت کورکورانه از عرف یا سنت در قاموشش نمی‌گنجد. برای موافقت و مخالفت‌هایش هم دنبال راهی می‌گردد که کمترین آسیب را به کسی بزند. نوشته فیلمنامه‌نویس این رابه من می‌گفت و من هم با پذیرش این روحیه، به روش‌های اجرای آن در طول فیلمبرداری فکر کردم.
[۷] با نگاه به کارنامه کاری شما، می‌توان دریافت که آثار بسیاری را در فضای دهه ۵۰ و ۶۰ بازی کرده‌اید. مهدی نصرتی که خود از جوان‌های نسل امروزی است، برای رسیدن به نقش‌هایی که مختص آن سال‌هاست چه کارهایی انجام داده است؟
اتفاق‌های اجتماعی و سیاسی آن دهه را مطالعه و سعی کردم شرایط زندگی در آن دوره را درک کنم. دیدن فیلم‌های مستند آن دوره نیز کمک زیادی به من کرد. البته تفاوتی ندارد مستند اجتماعی باشد یا برنامه تلویزیونی. در حقیقت به من کمک می‌کند به شخصیت فیلمنامه نزدیک شوم. از سوی دیگر، داده‌های فیلمنامه و دانستن نظرات عوامل دیگر پروژه هم گاهی راه را هموارتر می‌کرد.

[۸] از همکاری با سروش محمدزاده به عنوان کارگردان اثر و دیگر بازیگران پروژه برای مان بگویید. چقدر از قبل با آنها آشنایی داشتید؟
من بعد از آشنایی با سروش محمدزاده یک فیلم از ایشان و چند قسمت از سریال‌های قبلی او را تماشا کردم تا با نوع کار ایشان بیشتر آشنا شوم. سروش پیش از کارگردانی، تدوینگر قابلی هم بوده است و این تخصص در تسریع کار فیلمبرداری و عدم اتلاف وقت و انرژی گروه تأثیر زیادی داشت. یکی از نقاط قوت همکاری با او این است که به بازیگر آزادی عمل می‌دهد و از ایده‌های خلاقانه استقبال می‌کند. گروه بازیگران سریال سوران با وجود تفاوت‌هایی که در سابقه یا نوع تجربارت گذشته خود داشتند، بسیار همدلانه و باانگیزه کنار هم کار می‌کردند و این اتفاق کم‌نظیر باعث شد شرایط سخت کار کمتر به چشم‌مان بیاید. حسرت و ناراحتی من از نبود حسام ناگفتنی است. یادش به خیر.



مکت

نمادهای ویژه در روایت قهرمانی مردم کرد زبان

آن هم در شرایطی که در مقاطعی دچار چالش‌ها و سؤالاتی در مسیر می‌شود.
در این سریال از زبان یکی از اعضای رده بالای کومله در ایام پیش از پیروزی انقلاب اسلامی عنوان می‌شود که براندازی حکومت پهلوی قدم اول و خودمختاری کردستان قدم آخر است. در عین حال، در مقطعی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، سوران پیرامون نحوه مبارزه در چار چالش و شناخت می‌شود که آیا باید مبارزه مسالمت‌آمیز با همان طریق اعتراضی و پخش اعلامیه را ادامه داد یا به نحو دیگر مبارزه کرد. مسأله مهم در مورد شخصیت سوران این است که کارگر است و به جای پیوستن به گروه‌هایی که داعیه مبارزه برای حقوق کارگر را دارند، با آرمان‌های انقلابی امام خمینی (ره) گره خورده است.

قهرمانی سوران در گوران مبارزات

به این نکته هم باید اشاره کرد که کریم فرم‌انده کومله به فرمانده حال حاضر این حزب یعنی عبید... مهدی بسیار شباهت دارد. چیزی که این سریال درباره کومله به درستی نشان داده، مقب‌نشینی تاکتیکی آنها به روستاهای اطراف سردشت در یک بازه زمانی و استفاده از سیرانسانی مردم برای امنیت‌شان است. البته مواردی که در واقعیت‌های کومله به نمایش گذاشته شده، بیشتر از این موارد است. کما این‌که نشان داده می‌شود که کومله مردم کرد سردشت را زندانی می‌کند و از خانواده‌های آنها در ازای دیدار و ملاقات‌شان، طلب پول می‌کند و حتی طلب رابطه نامشروع. در این میان سوران با خلایقیت و جدیت اقدام به عکسبرداری از عوامل کومله می‌کند که در شناسایی آنها بسیار مؤثر است. اما از جمله نکات القایی مطرح شده در این فیلم که به درستی بیان‌شده می‌توان به این اشاره کرد که گاهی در راه انقلاب و مبارزه باید از هر چیز گذشت. مسأله این‌که کرد به ملت خود خیانت نمی‌کند و گاهی می‌شود به راهی که در مبارزه در پیش گرفته شده، شک مشکوک شد و فکر کرد که این از دیگر موارد مطرح شده در مجموعه سوران است.

نباید فراموش کرد که سوزه‌پرداز متفاوت سریال از جمله نقاط عطف و مهم آن است که در ایجاد جذابیت برای سریال از جنبه‌های مختلف خانوادگی، قومی، ملی و مبارزاتی کمک‌ک کرده است. روایت سریال، شخص محور است و به نحو خوبی شکل گرفته و پیش می‌رود. سریال از جنبه اشاره به رخداد‌های خاص، تلاش کرده تا کنش مناسبی را تا قسمت دهم برای مخاطب فراهم آورد که تا حد قابل قبولی این کنشش شکل گرفته و به جذابیت برای مخاطب کمک کرده است. در عین حال، جنبه‌های خانوادگی در فضای درام سریال نقش مؤثری ایفا کرده تا مسأله و موضوعات اصلی داستان به نحو بهتری برای مخاطب معرفی و عنوان شود.

با توجه به وضعیت حال حاضر تحرک کم‌ابیش تجزیه‌طلبان در مرزهای غربی کشور، مسأله تاریخ حضور کمونیست‌ها در کردستان ایران به خوبی در این سریال به نمایش درآمده است. از جمله مهم‌ترین تمرکزهای اصلی سریال، تمرکز روی زیست‌فکری، اجتماعی، مبارزاتی و شخصیتی کومله است که نقش قابل توجهی در شناخت از کومله امروزی برای مخاطبی که چندان دانشی از این پدیده حزبی ندارد، می‌تواند داشته باشد. کشاکش عشقی که سوران به نامزدش دارد اما ناچار است تا فراق او را در جریان هجرتی که در مسیر مبارزات دارد و باید آن را تحمل کند و به جان بخرد، در این سریال در چارچوب یک درام عاشقانه خوش‌ریتم، شکل گرفته است. در نهایت این مسأله به خوبی منعکس شده است که: کومله با مردم خودش که همزمان و مانند آنها کرد هستند نیز می‌جنگد و حتی به آنها رحم نمی‌کند و آنها را ترور می‌کند؛ این مسأله از جنبه انعکاس تاریخی و روایت تصویری تاریخ شفاهی مفید عمل کرده است.

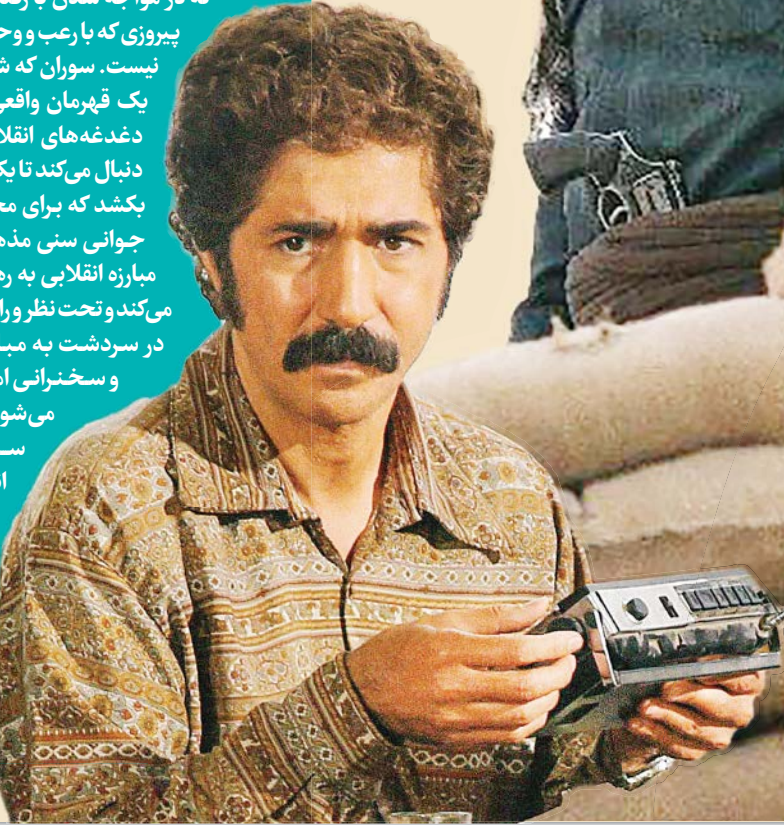
تاکنون مجموعه‌های بسیاری در قالب اقتباس از آثار مشهور روی آنتن رفته اما سریال سوران را باید یک گزینه متفاوت و متمایز دانست. تولید و پخش سریالی که به قهرمانی کرده‌های انقلابی می‌پردازد، آن هم در شرایطی که القای دشمن در جنگ ترکیبی متمرکز بر این است که این قوم را از دیگر مردم انقلابی جدا کند، کار سخت و در عین حال پرچالشی است. کاری که به نظر می‌رسد سروش محمدزاده در قامت کارگردان و مجتبی فرآورده به عنوان تهیه‌کننده به خوبی از پس آن برآمده‌اند. این سریال با اقتباس از کتاب «عصرهای کریسکان»، خاطرات امیر سعیدزاده از رزمندگان جنگ ایران و عراق به قلم کیانوش گلزار راغب، به زندگی و مبارزات جوانی کرد به نام سوران می‌پردازد که اهل سردشت کردستان ایران است.

سوران قبل از انقلاب، دلباخته امام خمینی (ره) است و حتی یک‌بار به دلیل پخش صدای امام از مغازه‌اش مورد بازجویی ساواک قرار می‌گیرد. بعد از انقلاب هم که فشار تجزیه‌طلبان از هر طرف به سمت ایران روانه شده بود، مبارزاتش را کنار نگذاشت و به نبرد با کومله و تجزیه‌طلبان رفت. از برجسته‌ترین نقاط این مجموعه می‌توان به شروع خشم سوران در قامت انتقام برادرش اشاره کرد که به مرور به سمت خونخواهی برادران مسلمان دیگر کشیده می‌شود. مجموعه سوران در تصویرسازی برخی قالب‌های کمتر دیده شده پیشرو بود. در گزارش پیش‌رو برخی فاکتورها و نمادهایی که این مجموعه برای تصویرسازی از فعالیت‌های کردهای ضدانقلاب و کردهای انقلابی به کار برده بود را مرور کرده‌ایم.

مبارزه سوران در قامت یک کرد متعهد و مسلمان، در ابتدا برای انتقام برادرش بود اما به مرور می‌بینیم که رشادت‌های او به سمت مبارزه با تجزیه‌طلب‌های کومله کشیده می‌شود. این تقابل را باید از برجسته‌ترین نقاط این سریال دانست. در عین حال به خوبی دیده می‌شود که وضعیت مبارزاتی کومله و انقلابیونی که تحت نظر شهید مهدی باکری در آذربایجان غربی فعالیت می‌کردند، به طور همزمان روایت می‌شود؛ یک روایت تازه که مربوط به خرداد ۱۳۵۷ است.

روایت یک قهرمان سنی مذهب

نکته دیگر این‌که در سریال از زبان آیت‌ا... ربانی املشی، روحانی انقلابی هدایتگر کردهای انقلابی در سردشت، می‌شنویم که در مواجه شدن با رفتار مسلحانه کومله می‌گوید: پیروزی که با رعب و وحشت به دست بیاید، ماندگار نیست. سوران که شخصیت اول داستان است، یک قهرمان واقعی از دل کردستان است که دغدغه‌های انقلابی خود را در کنار روزمرگی دنبال می‌کند تا یک قهرمان واقعی را به تصویر بکشد که برای مخاطب هم قابل باور باشد؛ جوانی سنی مذهب که در کنار سائیرین، به مبارزه انقلابی به رهبری امام خمینی (ره) اقدام می‌کند و تحت نظر و راهنمایی آیت‌ا... ربانی املشی در سردشت به مبارزه در قالب پخش اعلامیه و سخنرانی امام خمینی (ره) مشغول می‌شود. حتی یک‌بار در بازجویی ساواک به او می‌گویند چرا با انقلابی که تحت رهبری امام خمینی (ره) شیعه است، همکاری می‌کنند، ولی سوران توانست در قالب یک کرد سنی مذهب، به آرمان‌های انقلابی خود تحت رهبری امام خمینی (ره) پایبند باشد.



نما

قابی از قهرمانان

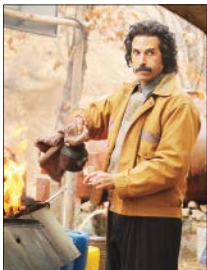
سریال «سوران» تازه‌ترین اثر اقتباسی که روی آنتن رفته است، توانست قابی از قهرمانان ملی را به نمایش بگذارد. این مجموعه که روایت زندگی قهرمانانه شهید سعید سردشتی است، ماجرای کومله و تلاش‌هایش برای تجزیه کردستان را به خوبی به تصویر کشیده است. مجموعه سوران در این میان به خوبی نشان داد که چطور کردهای قهرمان و انقلابی در ابتدای انقلاب مبارزه کردند تا نهال انقلاب درست به دست امروز برسد.



درنگ

ابهام زیبای شخصیت کیانوش

توماج دانش بهزادی، ایفاگر یکی از نقش‌های اصلی مجموعه «سوران» است. وی در گفت‌وگویی درباره حضور در این سریال و بازی در نقش کیانوش و این‌که شخصیت واقعی است یا تخیل نویسنده، بیان کرد: من خیلی به این‌که کاراکتر واقعی است یا خیر، کاری ندارم و شکل و روش برخورد و مواجهه‌ام با هر کاری متن آن است. ممکن است متنی را بخوانم که تخیلی باشد ولی بتوانم در آن ما به ازای بیرونی پیدا کنم. یا ممکن است متنی بخوانم که شخصیت ما به ازای تاریخی دارد اما در فیلمنامه به من کمک نکند. فیلمنامه به من راه و روش می‌دهد. کیانوش در سریال سوران شخصیتی است که من بازی می‌کنم و حتی فکر می‌کنم در قصه اصلی وجود ندارد.
این هنرمند درباره ابهام شخصیت کیانوش بیان می‌گوید: بسیار تلاش کردم دست این کاراکتر تا پایان رو نشود. نقش خاصی است و ممکن بود کارگردانی دیگر می‌گفت او را کاملاً منفی نشان دهم، به نظرم این شخصیت هر قدر در سایه بماند، واکنش سوران هم قشنگ‌تر می‌شود. این موارد به روند جذاب شدن قصه کمک می‌کند. کسانی که من را می‌بینند، می‌گویند حرص‌شان را درمی‌آورم. پس این ابهام قشنگ است.



چهره

ایستادگی در برابر سختی‌ها

سروش محمدزاده، کارگردان سریال «سوران» درباره شکل‌گیری این سریال و این‌که چرا کتاب «عصرهای کریسکان» را برای اقتباس انتخاب کرده، گفت: وقتی کتاب عصرهای کریسکان را خواندم با شخصیت‌های آزاد و محکمی در منطقه کردستان آشنا شدم. عصرهای کریسکان روایت زندگی سعید سردشتی از سال‌های ۵۷ تا دهه ۷۰ است. وقتی این کتاب را خواندم با شخصیت خاصی و محکمی روبه‌رو شدم که سختی‌ها و رنج‌ها، قامتش را خم نکرد. بارها در معرض مرگ حتمی قرار گرفت اما کشته نشد. این اتفاق‌ها برای خواننده، جذاب و شنیدنی است. این شخصیت ویژگی‌هایی داشت که برای خلق یک شخصیت در اثری نمایشی، جذاب است. وی همچنین درباره سختی‌های ساخت چنین آثاری، افزود: وقتی قصه‌ای را به بیش از ۴۰ سال پیش برید خبری از آن بافت فرهنگی و شرایط جغرافیایی نیست؛ به‌ویژه این‌که جغرافیایی را برای بازنمایی مدنظر داشتیم که حتی وقتی به محل اصلی آن حوادث رفت هم دقیق مثل چهار دهه پیش نبود. سختی‌های تولید در چنین شرایطی بیشتر می‌شود.

